مشکلات مهم کشور را با کمک به دولت حل کند. حالا شاید جایی هم اختلاف نظر باشد و این بدان معنا نیست که روابط برادرانه ندارند. روابط برادرانه است و البته اختلاف نظر هم برادرانه است. (خنده) در کل فکر می‌کنم روابط بین قوا در کشور الان خوب است و در شرایط فعلی با توجه به مسائلی که هست می‌شود برخی جاها به این اختلافات هم خورد که به هر حال حل می‌شوند.

البته بر سر ماجرای آقای دکتر صادقی یا آقای مطهری یک مقداری به نظر می‌رسید اختلاف دیدگاه‌ها جدی است و نوعی تقابل هم ایجاد شد. الان زمینه آن مسائل رفع شده و به حالت عادی برگشته است؟

اینها خیلی مسائل ادامه داری نیست و مقطعی است. به هر حال در مقطعی پیش آمد و خوشبختانه همه ما از آن مقطع عبور کردیم. من هم شما می‌بینید که بیشترین تلاشم برای عبور از مسائل حاشیه‌ای و نظرم این است که این مسائل متن روابط قوا را مخدوش نکند.

چیزی حدود سه ماه تا انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده، اما به نظر می‌رسد هنوز تنور انتخابات داغ نشده است. حداقل نسبت به دوره‌های قبل و حتی دوره یازدهم هم هنوز فضا سرد به نظر می‌رسد. تفسیر و تحلیل شما از این وضعیت چیست؟ اساساً آیا چنین گزاره‌ای را در مورد فضای انتخابات سال آینده قبول دارید؟

بله. من هم فکر می‌کنم فضا مثل گذشته و این هم یک مدل جدید از انتخابات است. قبلاً از فاصله دورتری مسائل انتخابات مطرح می‌شد و گروه‌ها فعال می‌شدند. اما امسال با تأخیر است و من هم جنب و جوش خاصی احساس نمی‌کنم. ممکن است عوامل مختلفی در آن نقش داشته باشد. یکی می‌تواند دور دوم بودن ریاست جمهوری آقای روحانی باشد.

اما در دوره‌های قبل مثل دوره دهم و هشتم که رؤسای جمهوری از دور اول به دوم می‌رفتند هم این گونه نبود.

بله خب آن زمان هم شور انتخاباتی فرق داشت اما این بار این طور هست. یعنی به نظر می‌رسد موقعیت دور دوم این دولت با قبل فرق دارد. ممکن است این هم مؤثر باشد.

یعنی فکر می‌کنید رقبا خیلی شانسی برای خودشان نمی‌بینند؟

نه. احتمالاً چیز دیگری فکر می‌کنند وگرنه فعال نمی‌شدند. می‌خواهم بگویم به طور طبیعی این موضوع احتمالاً تأثیر دارد. نکته دیگر این است که خود صدا و سیما خیلی در ایجاد فضای انتخابات مؤثر است. الان شنیدم که کمی بحث را شروع کردند، ولی فکر می‌کنم بعد از نوروز این فضا در صدا و سیما جدی شود. البته من در این خصوص صحبتی نکردم و برداشتم است.

البته مسأله ما بیشتر گروه‌های سیاسی است که خیلی تکاپو و شور و شوری ندارند و این موضوع در آنها دیده نمی‌شود.

در شهرها و استان‌ها یکسری کارها و فعالیت‌ها آغاز شده است.

آن فضا بیشتر معطوف به انتخابات شوراها است.

نه اتفاقاً برای همین انتخابات ریاست جمهوری هم تحرکاتی هست. منتها در سطح ملی و تهران خیلی آن تکاپو را نمی‌بینیم. به هر حال قبول دارم که یک تأخیری هست و باید بررسی کرد که دلیلش چیست. من خیلی روی این موضوع متمرکز نشده‌ام.

اخیراً برخی نمایندگان یک طرح ارائه کردند که به طرح مبارزه با خودسرها معروف شده و حواشی هم داشته است. با توجه به تجربه خودشما در ۲۲ بهمن قم که مورد حمله خودسرها قرار گرفتید، نگاه‌تان به این طرح چگونه است و آن را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا فکر می‌کنید بتواند به اهدافش برسد و موفق شود؟

البته طرح خیلی دقیق نیست و اگر خودتان هم آن را بررسی کنید، متوجه می‌شوید که در درون آن اشتباهاتی هست. مثلاً اینکه اگر کسی حتی نه به قصد برهم زدن، اظهار نظری بکند و اتفاقی بیفتد با او برخورد می‌شود خیلی نکته مثبتی نیست. خب این قصد را از کجا می‌شود کشف کرد؟ این نشان می‌دهد که طرح به دقت تدوین نشده است.

اما آیا ضرورتی دارد که ما در این حوزه قانونی داشته باشیم؟

حالا منهای قانون به نظر من یک تربیت و فرهنگ سیاسی است. خیلی مسائل در کشور هست که با قانون حل نمی‌شود. مثلاً رفتار یک پدر با فرزند یا خانواده‌اش باید مؤدبانه باشد، حالا ما بیاییم قانون بنویسیم که مؤدبانه باش که موضوع حل نمی‌شود. این فرهنگ است و باید جا بیفتد در کشور. بیشتر هم جریان‌های سیاسی و رسانه‌ها مؤثر هستند که این خشونت را در سیاست کاهش دهند و این را تبدیل به یکسری گفت‌وگوهای سالم بکنند. من فکر نمی‌کنم بشود با قانون موضوعاتی از این دست را حل کرد. اگر نیاز باشد ما قانون آن را هم می‌نویسیم اما تصورم این است که زیربنای آن، مسائل فرهنگی و فرهنگ سیاسی است که باید تربیت خاصی را در جامعه جا انداخت.

یادداشت

هشیاری برای پاسداشت منافع ملی

رامین رادنیا
معاون سردبیر

ظاهراً ملت‌ها در جهان طی یک روند همگرایی با تکیه بر منافع ملی و احتمالاً به دلایلی چون نگرانی از رشد تروریسم، هجوم مهاجران سربار، پیامدهای منفی جهانی شدن بر اقتصاد ملی و بیم از به خطر افتادن همبستگی ملی و کاهش تعلقات اجتماعی و البته نگرانی از جنگ و نتایج منفی مداخلات خارجی دولت‌هایشان، ترجیح داده‌اند در فرصت‌های پیش روی خود چون انتخابات و رفراندوم‌ها، گزینه‌های محافظه‌کارانه و تأمین‌کننده منافع کاملاً داخلی، ملی و ملموس را برگزینند و نهایت احتیاط و خودمحوری را اختیار می‌کنند تا از آسیب‌های فزاینده جهان پر آشوب دور بمانند، شواهد نیز حاکی است بتدریج این تغییر شیوه و رویکرد ملت‌ها در حال تبدیل به یک هژمونی و رویکرد غالب جهانی است.

آنچه در انگلستان تحت عنوان «برگزیت» و جدایی این کشور از اتحادیه اروپا رخ داد یا انتخاب‌های مشابه دیگر در اروپا که آخرین آن روآوری مردم امریکا به ترامپ بود که یکسره در شعارهای انتخاباتی خویش از فرمول هزینه و فایده تصمیمات سیاسی در عرصه داخلی سخن می‌راند، همه نشانه‌ای است از آنکه بیم‌ها و تهدیدهای ملت‌ها در حوزه تأمین منافع ملی و مسائل ملموس اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته و ترجیح می‌دهند آهسته‌تر اما پیوسته‌تر منافع ملی خود را به سر منزل مقصود برسانند و تا آنجا که ممکن است از تنش‌ها، هزینه‌های اضافی و درگیری‌ها و مداخلات پرمخاطره و پرهزینه دوری کنند.

بهره ما اما از این حرکت و روند رو به گسترش جهانی این است که در این دوره گذار و تغییر ذائقه ملت‌ها، با هشیاری بیشتر و شناخت و درک صحیح از منافع ملی خویش چنان مطمئن و استوار گام برداریم که با کمترین هزینه بیشترین منافع حداکثری را در آشفته بازار تحولات جهانی کسب نماییم و هیچ هزینه اضافه‌ای را متحمل نشویم.

نگاهی به اخبار و رویدادهای اجتماعی و اقتصادی سال ۹۵ و تحلیل و ریشه‌یابی معضلات و مسائل به روشنی آشکار می‌سازد که در شرایط فعلی ما با زیرساخت‌هایی بسیار شکننده و آسیب‌پذیر مواجه‌ایم. کمبودها و کاستی‌ها در هر حوزه اعم از محیط زیست، حمل و نقل، آب و هوا، کشاورزی، بهداشت، آموزش، صنعت، شهرسازی و مدیریت شهری، اشتغالزایی، مبارزه با فقر و اعتیاد، تأمین امنیت اجتماعی، اعتلای فرهنگ عمومی، ایمنی و آمادگی در برابر حوادث و سوانح تأمین و تربیت و جذب صحیح نیروی متخصص و موارد مشابه چنان ملموس و عیان است که در ریشه‌یابی هر پدیده اقتصادی و اجتماعی به سادگی کاستی‌ها، کمبودها و نارسایی‌ها عیان و آشکار می‌شود و طبیعی است که به نارضایتی عمومی در اشکال مختلف می‌انجامد و کلاف مسائل اجتماعی و اقتصادی مرتب در هم پیچیده می‌شود. بنابراین در این برهه زمانی برای برون رفت از چالش‌های توسعه نیافتگی و غلبه بر تنگناهای پیش رو باید از یکسو نخست مردم از پیگیری مطالبات و خواسته‌ها به شیوه‌های ممکن و فرصت‌های موجود اعم از حضور در صحنه‌های تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز از جمله انتخابات و ظرفیت‌های نوین و ایجاد شده در فضای مجازی و موارد دیگر غفلت نکرده و به ایفای نقش و طرح خواسته‌ها و دیدگاه‌های خویش بپردازند و از سوی دیگر متولیان امور اعم از مدیران و نمایندگان مجلس و چهره‌های با نفوذ با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود انتقال پیام، اعم از رسانه‌های نوین و قدیم و تریبون‌ها، به طور مستمر نیازها، اولویت‌ها و مخاطرات فرآیند توسعه و پیشرفت متوازن و همه‌جانبه را متناسب با توان و ظرفیت‌های واقعی در تمامی زمینه‌ها شفاف و صریح و به دور از پرده‌پوشی و رودربایستی با مردم در میان بگذارند، واقعیت‌هایی که دانستن آن حق مردم است و اجتناب‌ناپذیر بودن اصلاحات در امور را متذکر می‌شود. بیان شعارگونه، احساسی و تبلیغاتی همراه با بزرگ‌نمایی‌های کاذب و پرهیز از بیان شکنندگی‌ها و کاستی‌ها در شرایط امروز که با تکثر رسانه‌های رسمی و غیر رسمی و فضای مجازی مواجهیم دیگر چاره‌ساز نیست و جامعه را به سوی سراب و بعضاً کنش‌های ضد منافع ملی می‌کشاند. به بیان دیگر مرور اخبار اجتماعی و سیاسی در سال ۹۵ و آشکار شدن حجم بالای عقب ماندگی‌ها و ریشه‌های آن باید منجر به درس آموزی و تغییر و تحول و سکویی برای پرش به عرصه‌های نوین و اتخاذ رویکردهای متناسب با ضرورت‌های رشد و توسعه در رقابت‌های فشرده جهان امروز شود.

سال گذشته تجربه شد که بحران منابع آب‌های جاری و زیرزمینی، تداوم تخریب محیط زیست، گسترش روند بیابان‌زایی، پدیده هجوم ریزگردها در جنوب کشور، افزایش آلودگی هوا در اکثر شهرها، افزایش آمار حوادث شهری و سوانح رانندگی ناشی از عقب ماندگی در تأمین تجهیزات نوین و برخورداری از جاده‌های مناسب و ناوگان حمل و نقل قدیمی فرسوده زمینی، ریلی و هوایی و ده‌ها کمبود و کاستی دیگر چگونه منجر به بروز زیان‌های مالی و تلفات جانی شد. در حالی که با تجدید نظر در اولویت‌ها، تخصیص دقیق‌تر منابع، مدیریت نوین و تکیه بر توان نخبگان و اتخاذ تجربه‌های جهانی و اتخاذ راهکارهای پیشگیری، پیش‌بینی، آمادگی و مقابله صحیح با این رخدادها غلبه بر این زیان‌ها گرچه دشوار اما چندان دور از انتظار نخواهد بود. حجم مشکلات و انبوه نارسایی‌ها و طرح‌های نیمه‌تمام، جامعه را دچار مدیریتی واکنش‌گرا توأم با روزمرگی کرده است به این معنی که به‌جای رویکرد و مدیریت کنش‌گرا، فعال و آینده‌نگر، ابتکار عمل را از دست داده و منفعلانه در انتظار نشسته‌ایم تا غفلت‌های انباشته شده هر روز در گوشه و کنار و بر اثر حادثه یا رخدادی منجر به بحرانی شود و آن زمان واکنش وار وارد عرصه مقابله و پاسخ‌دهی شویم. روندی که از یکسو فرسایشی است و توان سیستم و مجموعه مدیریتی کشور را مخدوش و آسیب‌پذیر می‌سازد و از سوی دیگر به افزایش نارضایتی عمومی می‌انجامد و در مجموع ضربه‌ای به مشروعیت و مقبولیت نهادها و نظام‌های مدیریتی در ابعاد و حوزه‌های مختلف وارد می‌سازد. اجتناب‌ناپذیر بودن رویکرد اصلاح‌گرایانه در تمامی امور با بهره‌گیری از نسخه‌های نخبگان درسی است که از مرور رخدادهای ریز و درشت سال گذشته نصیب‌مان می‌شود و در سال جدید باید نظارهگر برنامه‌ریزی برای تغییر در این حوزه بود.